

## بررسی مقاله پلورالیزم دینی و قرآن

دکتر محمد جواد نجفی\* (عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم)

جواد محمدی\* (دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی سینا)

### چکیده

در بخش نخست این نوشتار، خلاصه‌ای از ترجمه مدخل ارائه شده است. در بخش دوم از دو بعد ساختاری و محتوایی به بررسی مدخل پرداخته شده است. هرچند نویسندگان به معناشناسی مفردات قرآنی، ورود خوبی داشته‌اند، اما فزونی مقدمات بر اصل بحث، جانبداری از برخی گروه‌های خاص دینی و عدم رعایت انصاف علمی در پاره‌ای موارد، مسلم پنداشتن تکثرگرایی نسبیته اندیشانه و نقد آموزه‌های قرآن با آن، از معایب ساختاری است که کار آنان را دچار نقص کرده است. عدم تعمق کافی در شناخت مفردات قرآن، مبهم جلوه‌دادن قرآن، عدم شناخت دقیق دیدگاه قرآن کریم در باب تکثرگرایی و غفلت از ابعاد تکثرگرایی به معنای صحیح قرآنی آن از معایب محتوایی مقاله است که مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژگان:** قرآن، استشراق، تکثرگرایی دینی، دایرة المعارف قرآن لیدن، جین دمن مک اولیف، کلیر وایلد.

## ۱. مقدمه

بررسی و نقد آراء و اندیشه‌های مستشرقان پیرامون اسلام، به ویژه قرآن کریم، هم از نظر آشنایی با دیدگاه‌های آنان و هم از نظر پاسخگویی به شبهات آنان ضروری است. در این پژوهش، ضمن بررسی دیدگاه نویسندگان در مورد پلورالیزم دینی از منظر قرآن، اشکالات مطرح شده درباره این موضوع را تجزیه و تحلیل می‌نماییم.

## ۲. معرفی اجمالی نویسندگان مدخل:

جین دمن مک اولیف (Jane Dammen McAuliffe)

رئیس دانشگاه «برین مور» و استاد تاریخ، محقق شناخته شده و متخصص در سطح بین‌المللی در زمینه مطالعات اسلامی است. علاوه بر انتشار آثار متعدد و مقالات مختلف، کار تدوین دایرةالمعارف قرآن لیدن را به پایان برده است (کریمی‌نیا، مقاله دایرةالمعارف قرآن به انگلیسی، گلستان قرآن، ۱۱۸/۲۹-۳۰).

برخی از آثار وی عبارت است از: نشست کمبریج در مورد قرآن، مسیحیان قرآن، تصویر عیسی مسیح ﷺ در اسلام، محمد ﷺ و عیسی ﷺ (به نقل از: سایت دانشگاه جرج تاون).

کلیر وایلد (Clare Wilde)

استاد الهیات دانشگاه جرج تاون آمریکا و دانش آموخته مرکز مطالعات الهیات و ادیان است (به نقل از: سایت دانشگاه کاتولیک آمریکا).

## ۳. خلاصه مقاله

مفردات قرآنی: دین، ملة، عبادت

رایج‌ترین اصطلاح برای «religion»، دین است. اصطلاح فارسی «دین» معنی «religion» یا «cult» و واژه اکدی «دانو» معنی قضاوت می‌دهد (ر.ک: جفری، واژگان بیگانه). در قرآن واژه عربی دین، هر دو معنی فوق را داراست. «ملت»، اصطلاح دیگری برای «religion» است و در عربی کهن شاهی برای کاربرد قرآنی آن وجود ندارد. در قرآن «ملة» اشاره به «دین» یا «فرقه» دارد و اغلب نشانگر کیش و عقیده ابراهیم است.

واژه‌ای که ارتباط تنگاتنگی با حیطه معنایی دین داشته و سومین اصطلاح عمومی برای «religion» (رویه دینی) است، واژه «عبادة» می‌باشد. به هر حال، معنای این ریشه «ساختن»، «انجام دادن» و «کار کردن» است. (ر.ک: جفری، واژگان بیگانه، ۲۰۹).

### اسلام

منظور قرآن از اسلام دقیقاً روشن نیست. مهم‌تر اینکه تفاوت روشنی بین ایمان و تسلیم در برابر خدا (اسلام) وجود ندارد. در سایه ابهام زبان قرآنی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا غیر مسلمانان، به ویژه یهودیان و مسیحیان، می‌توانند در زمره مؤمنان به شمار آیند؟ قرآن صراحتاً اصرار دارد که اطاعت از خدا شامل اطاعت پیامبرش یعنی محمد ﷺ نیز می‌شود.

### اصطلاحات نشان‌گر تساهل قرآنی یا دوسوگرایی: اهل‌الکتاب، ذمه

گرچه یهودیان و مسیحیان (بنی اسرائیل)، نخستین مصادیق «اهل‌الکتاب» اصطلاحی هستند، مجوسیان و صابثیان نیز به همراه اینان (اهل‌الکتاب) در قرآن ذکر شده‌اند (حج/ ۱۷) اهل‌الکتاب تقریباً مترادف با ذمی یا اهل‌الذمه می‌باشد.

### جوامع دینی

#### یهودیان و مسیحیان

در قرآن در موارد متعددی آشکارا از «یهودیان» به بدی یاد شده است (بقره/ ۱۱۳، ۱۲۰ و...). واژه یهود یک بار نیز برای تأکید بر یهودی نبودن ابراهیم به کار رفته است (آل عمران / ۶۷). اصول و شعائر گروه‌های یهودی نیز در عصر محمد ﷺ به خوبی مطرح نشده است، اما مسیحیان، بر خلاف انتقاد مکرر قرآن از یهودیان، گاهی اوقات مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (مائده / ۸۲).

نقش بارز قبایل یهود در کشمکش محمد ﷺ برای تأسیس یک نهاد سیاسی در مدینه بعد از مهاجرت او از مکه آشکار است؛ برای مثال، نویسندگان سیره محمد ﷺ نزول آیه دوازدهم سوره آل عمران را که به پیروزی مسلمانان در بدر اشاره می‌کند، جنگی در برابر کافران قلمداد کرده و آیات پنجاه و یکم تا پنجاه و ششم سوره مائده که مؤمنان را به

دوست نگرفتن یهودیان و مسیحیان تحریک می کند، با مقابله و تبعید قبیله قینقاع مرتبط دانسته اند. همچنین آیات ۱۵-۵۹ سوره بقره با تبعید بنی نضیر و آیه ۳۳ سوره شعراء با نابودی مردانی از قبیله بنی قریظه مرتبط تلقی کرده اند. مواعظ قرآنی پیامبر می تواند برای اقناع شنوندگان خویش دست به مبالغه و تحریف حتی توهین بزند، بنابراین نیازی نیست که اشارات منقطع به اصول مسیحی یا یهودی به عنوان شاهد دقیق و روشن از اصول مشخص (یا رسوم دینی) این جوامع لحاظ شود.

#### اشارات قرآن به رفتارهای متقابل بین دینی

منابع مسیحی رویارویی محمد ﷺ با راهبان مسیحی را در کسوت اطلاع دهنده وی در مورد وحی الهی گزارش می کنند. همچنین برخی روایات، کاتب وی را کسی معرفی می نمایند که ایمان یهودی را به وی آموخته بود.

#### نجران

اعتقاد بر این است که آیه ۶۱ آل عمران در پاسخ چالش مطرح شده به وسیله مسیحیان نجران نازل شده است؛ چالشی که طرفین دعوا ادعای خود را ارائه کرده و از خدا برای دروغگویان درخواست بلا یا لعنت می کنند. به هر حال، نماینده نجران از رقابت کنارگیری کرد و محمد ﷺ با آنان معاهده ای منعقد نمود و در قبال مالیات سالانه، آزادی آنان را در اعمال عبادی شان تضمین کرد.

در پی اتحاد قبایل یهودی مدینه با دشمنان مکی محمد ﷺ به منظور تضعیف رهبری او در مدینه، تشعب سیاسی منفی به وجود آمد. برخوردهای سختگیرانه نسبت به این قبایل یهود از قبیل اخراج پی در پی دو قبیله از قبایل اصلی در ۶۲۴ و ۶۲۵ م. و قتل عام شدید مردان و به بردگی گرفتن زنان و بچه های بنی قریظه در ۶۲۷ م - ظاهراً مانع از هر گونه برخورد مسالمت آمیزی (مانند برخورد با مسیحیان) بین مسلمانان متقدم و یهودیان شده است. با این حال، چشم انداز برخوردهای اسلامی یهودی قدیمی کاملاً سرد نیست.

#### شیوه بیان: جدلی و دفاعی

گرچه مجادله با مسیحیان از حیث گستردگی و تندی و شدت نسبت به یهودیان کمتر است، اما در تحلیل نهایی، یهودیان و مسیحیان هم پیمان یکدیگر بوده و دوست مؤمنان به شمار نیامده اند (مائده / ۵۱).

### استنتاج یک رفتار قرآنی درباره پلورالیزم دینی

قرآن قضاوت واحدی در مورد تکثر گرایی دینی ندارد. از یک سو، اظهاراتی از طرف سخن گویان برجسته دینی مثل یوسف قرضاوی و دیگر حامیان فضیلت دولت اسلامی وجود دارد (قرضاوی، الکلیات و تطبیق الشریعة الاسلامیه) که می‌تواند حمل بر تشویق به آسان‌گیری در مورد سایر ادیان شود. در این قرائت، تکثر دینی مجاز است. در پس عبارات قرآنی که موجودیت ادیان دیگر را به رسمیت می‌شناسد، تصدیق ضمنی ارزش‌های پیروان سایر ادیان نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً اشاره به اینکه مسیحیان به مسلمانان کمک کردند و یهود و مسیحیان دانشی از کتاب مقدس دارند. از دیگر سو، افراطیان معاصری چون اسامه بن لادن در پیروی از مفسرانی مانند ابن تیمیه (م ۱۳۲۸/۷۲۸) و سید قطب (م ۱۹۶۶)، آیات مشخصی را (توبه / ۹) در حمایت از انکار تکثر ادیان و داوری منفی در مورد غیر مسلمانان مد نظر قرار داده‌اند. در این قرائت، مصالحه شرعی یا قانونی یا همکاری با غیر مسلمانان یا مسلمانان ناصالح جایی ندارد. موضوعات قرآنی از قبیل مجازات اخروی غیر مسلمانان، تقابل آنان با محمد ﷺ، اسلام به مثابه تنها دین صحیح در نظر خدا، تجاوز یهودیان و مسیحیان از حدود دینی خودشان، بخشی از این قرائت انتقادی قرآن از ادیان دیگر و انکار حقانیت تکثر دینی می‌باشد. در پرتو این مباحث متناقض قرآنی، این سؤال باقی می‌ماند که قرآن مسلمانان را در مواجهه با تکثر ادیان به چه رفتاری توصیه می‌کند؟

### راهنمایی برای رفتار مسلمانان

گرچه آیاتی مانند آیه ششم سوره کافرون ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾، بر تصدیق وجود تکثر ادیان حمل شده‌اند، تفاسیر گوناگونی درباره مفهوم این آیه وجود دارد. قرآن تصدیق می‌کند که هر کسی حقانیت پیام قرآن را قبول نخواهد کرد. گرچه این موضوع نیز گوناگون تفسیر شده است: محمد ﷺ هیچ یک از مکیان را به پذیرش اسلام مجبور نکرد؛ اهل کتاب و مجوسیان می‌توانند با پرداخت جزیه با آرامش در دولت اسلامی زندگی کنند؛ هرگز اجبار علیه کسی که جزیه پرداخت کند وجود ندارد (طبری، تفسیر، ذیل آیه). بررسی تفسیر اسلامی نشان می‌دهد که قطعاً اختلاف عقاید دینی مورد تجلیل واقع نشده است. این مطلب تا اندازه‌ای به عنوان یک جنبه اجتناب ناپذیر از وجود انسان پذیرفته شده

است. مفسران عموماً قرآن را ترغیب کننده ایمان اجباری به اسلام تفسیر نمی کنند. اما هیچ مصالحه دروغینی نیز وجود ندارد: آنان که به پیام قرآن اعتنا نمی کنند به عذاب قیامت وعده داده شده اند. فقراتی که فضایل مردم جوامع دینی دیگر را می ستایند، محدود هستند. آیات پنجم و بیست و نهم سوره توبه، شاید معروف ترین آیات قرآنی هستند که رفتار متناسب با غیر مسلمانان را تجویز می کنند. اما آیات دیگری وجود دارد که کمتر به آنها پرداخته شده است؛ آیاتی که اطلاعاتی در مورد آنچه می توان آن را «روش و رفتار قرآنی با غیر مسلمانان» نامید، به دست می دهند؛ برای نمونه، آیه ۳ سوره مائده: «من دین اسلام را برای شما پسندیدم»؛ آیه ۳۰ سوره روم: «که این است دین حق»؛ آیه ۳۲ همان سوره: «آنان که دین خود را شعبه شعبه کردند و قبایلی شدند»؛ آیه ۱۹۳ سوره بقره: «با آنان بجنگید تا هیچ فتنه ای نباشد، و دین، برای خدا شود»؛ آیه ۲ سوره نور: «در موضوع دین خدا نسبت به آنان رأفتی به خرج نده»؛ آیه ۱۷۱ سوره نساء: «ای اهل کتاب در دین خودتان غلو نکنید»؛ آیه ۲۶ سوره غافر: «من می ترسم که او دین شما را تغییر دهد».

به طور کلی، قرآن قضاوتی منفی درباره اهل الکتاب ابراز نموده و ادعا می کند که آنان در دین خویش غلو کرده و حتی کتب مقدس خودشان را تغییر داده اند؛ بنابراین، مسلمانان باید از آنان - و سایر غیر مسلمانان - اجتناب کرده، در صورت لزوم با آنان بجنگند. گرچه متن قرآن بر تنبیه آخرتی غیر مؤمنان دلالت بیشتری دارد، مفسران متأخر تمایل دارند همه غیر مسلمانان، حتی اهل کتاب را در طبقه ای جا دهند که بنابر قرائتی از قرآن می توان رفتاری خصومت آمیز در مورد آنان و حتی مسلمانانی که مسلمان حقیقی به شمار نیامده اند، تجویز کرد.

#### ۴. بررسی و نقد مقاله

مطالب مطرح شده در مدخل را در دو بخش ساختار و محتوا مورد بررسی و نقد قرار می دهیم.

##### الف) بررسی ساختاری

##### یک) نقطه قوت

نویسندگان مدخل پیش از آنکه وارد اصل بحث شوند، به معاشناسی مفردات قرآنی

مرتبط مانند «دین»، «ملة»، «عبادة» پرداخته و گروه‌ها و جوامع دینی موجود در محیط نزول قرآن و زندگی پیامبر ﷺ را بررسی و ورود خوبی به بررسی تکثرگرایی از منظر قرآن داشته‌اند.

## دو) نقاط ضعف

اشکالات ما بر مدخل مذکور در این قسمت از قرار زیر است.

### ۱. طولانی بودن مباحث مقدماتی از اصل موضوع

همان طور که ذکر شد، پیش از ورود به اصل بحث، مفردات قرآنی مرتبط با موضوع و گروه‌ها و جوامع دینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، گرچه این خود کار مثبتی است و از نقاط قوت مدخل به شمار می‌رود، اما بیش از مورد نیاز به آن پرداخته شده و بخش بیشتر مدخل را به خود اختصاص داده است.

### ۲. فقدان یک بررسی منسجم و جامع در مورد دیدگاه قرآن

مباحث مطرح شده با عنوان مدخل یعنی «تکثرگرایی دینی و قرآن»، مطابقت کامل ندارد، زیرا نویسندگان بحث را به حوزه زندگی اجتماعی و رفتاری مسلمانان نیز کشانده‌اند و علاوه بر بررسی موضوع از دیدگاه قرآن - آن هم نه دقیق و جامع - به بررسی آن در حوزه رفتاری مسلمانان و از دیدگاه مفسران نیز اقدام نموده‌اند؛ به همین دلیل، فقدان یک بحث منسجم نظری برای دریافت عمیق دیدگاه قرآن در زمینه تکثرگرایی قرآن ملموس و آشکار است.

### ۳. مسلم و صحیح پنداشتن تکثرگرایی مبتنی بر نسبییت اندیشی و مقایسه قرآن با آن

امروزه در مغرب زمین، دیدگاه رایج و غالب در مورد «تکثرگرایی دینی» همان دیدگاه نسبییت اندیشانه است که با کار و تلاش جان هیک و همفکرانش در دوران معاصر به اوج خود رسیده است (رک: جان هیک، مباحث فلسفه دین). نگارندگان «تکثرگرایی دینی» - آن هم تکثرگرایی مبتنی بر نسبییت اندیشی - را اصلی مسلم گرفته و قرآن را با آن مقایسه کرده‌اند، حال آنکه قرآن خود بیان کننده عالی‌ترین حقایق و اصول انسانی و معرفتی است.

### ۴. عدم رعایت انصاف علمی در برخی موارد و جانبداری نمودن از برخی گروه‌های

## دینی خاص

نویسندگان در بررسی و گزارش حال یهودیان و مسیحیان حاضر در جزیره العرب و محیط نزول قرآن بی طرفی را رعایت نکرده و حتی قرآن را بی هیچ دلیلی، به تحریف و توهین محکوم نموده‌اند.

## ب) بررسی محتوایی

### یک. معناشناسی مفردات

در معنا شناسی مفردات قرآن اشکالات و نقایصی به چشم می خورد؛ از جمله اینکه نگارندگان تلاش وافری در دخیل نشان دادن اکثر این کلمات دارند.

#### ۱. اصرار بر دخیل بودن واژه «دین»

مهم ترین منبع و مستند نویسندگان، کتاب «واژگان دخیل» آرتور جفری بوده است. دلایل وی برای اثبات دخیل بودن واژه مذکور بدین قرار است:

الف) استناد به کتاب «شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل» خفاجی و «فقه اللغة» ثعالبی (آرتور جفری، واژگان دخیل، ۱۳۲).

ب) وی ضمن قائل شدن دو ریشه و دو معنای متفاوت برای واژه، شواهدی (کلماتی با تلفظ مشابه) از زبان پهلوی (پارسی میانه) و آرامی مطرح می کند مبنی بر اینکه «دین» به معنای مصطلح دین از زبان فارسی پهلوی و دین به معنای قضاوت از زبان آرامی وارد عربی شده است (همان، ۱۳۲ و ۱۳۳).

در مورد دلیل نخست جفری باید گفت: خفاجی در کتاب خویش این واژه را بدون هیچ گونه توضیحی در مورد اصل کلمه، در زمره واژگان دخیل آورده است (الخفاجی، ۱۰۳)، ولی ثعالبی آن را ذیل عنوان «فی ذکرِ أسماءِ قائِمةٍ فی لغتِ العربِ والفرسِ علی لفظِ واحدٍ» به همراه چند لفظ دیگر آورده است (ثعالبی، فقه اللغة، ۳۱۶). بدیهی است که این عنوان هیچ گونه دلالتی ندارد که وی دخیل بودن کلمه را پذیرفته باشد. جفری در دلیل دوم خود شواهد خوبی می آورد و تا حدود زیادی ذهن را به این سو می کشاند که این واژه اصیل نیست، ولی با عنایت به برخی نکات، پذیرش این شواهد دشوار می نماید: اول آنکه این واژه در عربی دارای ریشه فعلی است (ابن فارس، ذیل ماده دین). علاوه بر این، هیچ علامتی مبنی بر عجمی در این واژه یافت نمی شود.

#### ۲. اصرار بر دخیل بودن واژه «ملة»

در مدخل مورد بحث، واژه «ملة» با استناد به کتاب «واژگان دخیل» اثر آرتور جفری واژه ای بیگانه و مأخوذ از کلمه «ملتا» سریانی قلمداد شده است. گرچه یافتن ریشه این واژه



در عربی با ابهاماتی روبه‌روست، اما لغت‌دانان واژه «ملة» را به معنای دین و شریعت آورده‌اند (ابن منظور، ذیل همان ماده). راغب اصفهانی معتقد است این کلمه از املل به معنای املا کردن گرفته شده است (راغب، ذیل همان ماده). نظر راغب مبنی بر ریشه این واژه صحیح است، لکن همان‌طور که جوهری نیز گفته است، دقیق‌تر این است که بگوییم «ملة» از «مِلل» به معنای خسته شدن گرفته شده است (جوهری، ذیل ماده دین).

### ۳. اصرار بر دخیل بودن واژه «عبادة»

واژه «عباده» در مدخل مورد بحث جزء واژه‌های دخیل به شمار آمده و معانی اصلی آن «ساختن»، «انجام دادن» و «کار کردن» ذکر شده است، به طوری که معنای عبادت کردن از آنها مشتق شده است. اما نظر لغویان خلاف این مطلب را اثبات می‌نماید. ابن فارس معتقد است «عبد» دارای دو وضع و دو معنای متضاد «نرمی و ذلت» و «شدت و غلظت» است (ابن فارس، ذیل ماده عبد). جوهری نیز در صحاح اصل عبودیت را خضوع و ذلت می‌داند و می‌گوید: «و اصل عبودیت خضوع و اظهار خواری است» (جوهری، ماده عبد)، همچنان که در لسان العرب و مفردات نیز همین مطلب آمده است (رک: لسان العرب و مفردات، ذیل ماده عبد).

### دو. اتهام تحریف، مبالغه و توهین به قرآن برای اقناع مخاطبان خود

نویسندگان به طور دقیق مشخص نمی‌کنند که قرآن کریم در چه مواضعی دست به چنین تحریف و توهین و غلوی زده است! بر هیچ محقق منصفی مزاحمت‌ها و شرارت‌های یهودیان و برخی افکار خرافی مسیحیان پوشیده نیست، لذا این اتهام فاقد هر گونه ارزش علمی است و با اندک مراجعه‌ای به کتب معتبر تاریخی و عهدین، حقانیت آیات قرآنی مشخص می‌شود (برای آگاهی بیشتر از پیمان شکنی یهودیان، رک: واقدی، کتاب المغازی، ۱/۶۵، ۶۸، ۱۷۴، ۱۴۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱/۲۸۹، ۳۰۴، جرج کنعان، محمد و الیهودیه ۳۳۸-۳۴۰ و برای آگاهی از عقاید نادرست مسیحیان، رک: اناجیل).

### سه. تأکید کسب آگاهی و حیانی پیامبر ﷺ از راهبان مسیحی و آموختن ایمان یهودی

#### از کاتب خویش

ادعای فوق این شائبه را در ذهن ایجاد می‌کند که پیامبر ﷺ آیات وحی را تحت تأثیر تعالیم و القانات راهبان مسیحی و کاتب خود ساخته و پرداخته است؛ به عبارت دیگر،

ممکن است شبهه بشری بودن قرآن به شکلی که گفته شد، مطرح شود؛ شبهه‌ای قدیمی که سابقه آن به آغاز نزول قرآن کریم بر می‌گردد و خود قرآن نیز در برخی آیات به آن پرداخته و پاسخ داده است؛ برای نمونه، در جایی می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ» (نحل/۱۰۳)؛ «به یقین می‌دانیم که آنها می‌گویند که بشری قرآن را به او می‌آموزد».

به هر حال پاسخ این شبهه و شبهات مشابه بارها در آیات تحدی قرآن کریم داده شده است و باید گفت این شبهه افکنان هستند که هنوز نتوانسته‌اند حتی با یک سوره قرآن هم‌وردی کنند، خدای متعال در پاسخ به کسانی که قرآن را ساخته خود پیامبر (بشر) می‌دانند می‌فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»؛ (یونس / ۳۸-۳۹) «آیا می‌گویند: او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است بگو: اگر راست می‌گویند، یک سوره مانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید به یاری بطلبید. بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز تأویلش بر آنان روشن نشده است. گذشتگان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند. پس بنگر عاقب کار ستمکاران چگونه بود».

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیات خداوند با یک استدلال کاملاً روشن و منطقی، کسانی را که قرآن را ساخته دست بشر می‌دانند، به مبارزه طلبیده و می‌فرماید: «و اگر از آنچه که بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم در تردید هستید، پس اگر راست گویند سوره‌ای از همانندش بیاورید، و گواهانتان را که جز خدایند، فرا خوانید» در این مورد می‌توانید هر کس را به یاری خود خوانده و تلاش کنید. قرآن کریم همین استدلال را در مواضع دیگر نیز مطرح فرموده است (هود/۱۱۳؛ بقره/۲۳).

در مورد ابی بن کعب نیز که سابقه کیش یهودی را داشت، باید گفت: تاریخ زندگی پیامبر ﷺ و نزول قرآن کاملاً نشان می‌دهد که وی در پیشگاه پیامبر اسلام ﷺ سمتی جز شاگردی در محضر آن حضرت نداشته است (رک: معرفت، تفسیر و مفسران، ۱/۲۱۷؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ۱/۱۷۳-۱۷۷).

### چهار: تکثرگرایی دینی و قرآن

نگارندگان مدخل گرچه تا حدودی موفق شده‌اند دیدگاه قرآن در مورد تکثرگرایی را دریابند، ولی به نظر می‌رسد به دلیل آنکه مبنای بحث و بررسی آنان، آن نوع تکثرگرایی است که مبتنی بر نسبیّت اندیشی بوده است، در فهم کامل دیدگاه صائب قرآن توفیق نداشته و آنچنان که باید نتوانسته‌اند به عمق مطلب راه یابند. برای نقد و بررسی بهتر این دیدگاه بحث تکثرگرایی دینی از منظر قرآن حکیم را در ذیل پی می‌گیریم.

#### الف) تکثرایی در بعد معرفت شناسی

قرآن در آیات متعددی تکثرگرایی در بعد معرفت‌شناسی را رد نموده و بر روی آن خط بطلان می‌کشد.

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» (توبه/۳۳)؛ «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گرچه مشرکان ناخشنود باشند».

این آیه کریمه هم بر حق بودن آیین اسلام صراحت می‌نماید و هم باطل بودن سایر ادیان را تأیید می‌کند؛ زیرا اگر ادیان دیگر نیز حق باشند و باعث سعادت و نجات انسان می‌گردند، منطقی به نظر نمی‌رسد که خدای متعال خبر از مغلوب شدن آنان و پیروزی اسلام را بدهد. سیاق آیات قبل و بعد نیز به خوبی نشان می‌دهد که منظور آیه همین ادیان تحریف شده است که سابقه الهی و آسمانی بودن را داشته‌اند. در آیات قبل از این آیه می‌فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ... وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ...» (توبه/۲۹ و ۳۲)؛ «با کسانی پیکار کنید که از افرادی هستند، که کتاب (الهی) به آنان داده شده، که به خدا، و به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام کرده، ممنوع نمی‌دارند، ... و یهودیان گفتند: «عُزَيْرُ پسر خداست» و مسیحیان گفتند: «مسیح پسر خداست» این سخن آنان است در حالی که با دهانشان [می‌گویند]، که به گفتار کسانی که قبلاً کفر ورزیدند شباهت دارد، خدا آنان را بکشد...».

در آیه بعدی نیز فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه / ۳۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند، و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند، و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده!».

بنابراین، به وضوح روشن است که قرآن حق بودن سایر ادیان را بر نمی‌تابد. این مطلبی است که در روایات نیز بدان اشاره شده است در تفسیر عیاشی نیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد آیه ۳۳ توبه می‌خوانیم: «این گونه می‌شود که همه به حقانیت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقرار می‌نمایند» (حویزی، نورالثقلین: ۲ / ۲۱۲).

۲. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...﴾ (آل عمران / ۱۹)؛ «در حقیقت دین [پذیرفته شده] نزد خدا، اسلام است...».

در این آیه به صراحت اشاره شده است که دین در نزد خداوند اسلام است. واژه «اسلام» به معنای «تسلیم بودن» است و منظور آیه این است که حقیقت دین چیزی جز تسلیم در برابر خدا نیست و همه انبیاء برای اقامه یک دین که همان اسلام است، قیام کرده‌اند، ولی از لوازم قطعی آیه تسلیم شدن در برابر آیین پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دست کشیدن از سایر ادیان و آیین‌ها می‌باشد؛ زیرا در عصری که پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احکام و معارف الهی را از جانب خدا برای مردم به ارمغان آورده است، تسلیم جز با تبعیت از آن حضرت معنا پیدا نمی‌کند. این مطلبی است که سیاق آیات نیز به روشنی بدان اشاره دارد: ﴿... قُلْ لِلَّذِينَ آوَوْا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا...﴾ (آل عمران / ۲۰)؛ «به اهل کتاب و امیین بگو آیا اسلام آوردید؟ اگر تسلیم شدند، حقیقتاً هدایت شدند...».

مخاطب این آیه پیامبر گرامی اسلام است: «اگر با تو محاجه کردند، بگو: من و پیروانم تسلیم خدا شدیم». دلالت روشن‌تر اینکه به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که: ای پیامبر! به اهل کتاب و امیین بگو: تسلیم شوند که اگر تسلیم شوند هدایت می‌یابند. سؤال این است که در برابر چه چیزی باید تسلیم شوند؟ قطعاً در اینجا دو فرض بیشتر نمی‌توان قائل شد:

اول اینکه در مقابل آنچه که در آیین خود به آنان اعتقاد دارند، تسلیم باشند و به همان عمل کنند و دوم اینکه در برابر پیام و آیینی که پیامبر اسلام ﷺ مبلغ آن است، تسلیم شده، مطیع آن حضرت گردند. واضح است که فرض اول نه تنها با محتوا و سیاق این آیات همخوانی ندارد، بلکه با اهداف و مقاصد کلی قرآن کریم نیز در تضاد است و با هدف رسالت پیامبر خاتم ﷺ نیز مخالفت دارد.

۳. «وَمَنْ يُبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران / ۸۵)؛ «و هر کس جز اسلام، دینی بجوید (و برگزیند)، پس از او پذیرفته نخواهد شد؛ و وی در آخرت از زیانکاران است».

این آیه نیز با همان توضیحی که در مورد «اسلام» دادیم، دلالتی روشن بر حقانیت دین اسلام دارد. در اینجا نیز علاوه بر دلالت محتوای آیه، سیاق نیز بر مطلب یادشده تأکید دارد. در آیه پیشین فرمود: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران / ۸۴)؛ «بگو: به خدا و آنچه بر ما فرو فرستاده شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران (از) فرزندان (او) فرو فرستاده شده؛ و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر)، از طرف پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم. [در حالی که ما] میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم؛ و ما تنها تسلیم او هستیم».

در این آیه مشخص می‌شود همه انبیای الهی در یک مسیر حرکت کرده و سیر رسالت آنان به رسول گرامی اسلام ﷺ منتهی شده و پذیرش رسالت آن حضرت و ایمان داشتن به آنچه بر او نازل شده، از اجزای لاینفک «اسلام» بلکه جامع همه تعالیم انبیای پیشین می‌باشد. صاحب تفسیر تسنیم در این باره می‌نویسد: «... افزون بر اعتقاد به اصول دین، عمل نیز باید با حجت عصر هماهنگ باشد تا عمل صالح به شمار رود و هر کاری بر اساس شریعت منسوخ، عمل صالح نخواهد بود... قرآن حکیم هدایت اسلام مصطلح (دین پیامبر خاتم ﷺ) را معیار می‌داند و با جمله «فَأَن ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ» وحدت راه را با ابطال کثرت‌گرایی تنظیم فرموده است» (جوادی آملی، تسنیم: ۱۴ / ۷۳۳ و ۷۳۴). استاد مطهری نیز در ذیل آیه مذکور می‌گوید: «حقیقت تسلیم در هر زمانی شکلی داشته و در

این زمان، شکل آن همان دین گرانمایه‌ای است که به دست حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله ظهور یافته است و لازمه تسلیم خدا شدن پذیرفتن دستورهای اوست» (مطهری، عدل الهی، ۲۵۳).

### آیا سوره کافرون مؤید تکثرگرایی است؟

با توجه به موضع گیری کلی قرآن در مقابل کفر و بت پرستی و همچنین دقت در محتوای این سوره باید گفت: هدف و معنای حقیقی این آیات، ردّ تکثرگرایی به معنای فوق است، نه اثبات آن؛ به دیگر سخن، قرآن از زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمی فرماید: هم دین شما و هم دین من، حق است تا کثرت مکتب، حق باشد، بلکه کثرت گرایی را نفی می کند. توضیح آنکه مشرکان مکه به وجود مبارک پیامبر پیشنهاد دادند که یک سال بت‌های ما را پرستید، ما نیز یک سال خدای شما را می پرستیم و نیز سال سوم خدایان ما را پرستش کن، ما نیز سال چهارم، خدای تو را می پرستیم. چنان که در این سوره، چهار جمله تکرار شده است که ناظر به همین پیشنهاد چهار ضلعی مشرکان حجاز است که در واقع، پیشنهاد تکثرگرایی است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰ / ۸۴۰) خدای متعال به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: حق ممزوج با باطل، حقیقت خود را از دست می دهد. حق باید به گونه‌ای صاف و خالص باشد که هیچ گونه بطلانی در قلمرو آن راه پیدا نکند و انضمام باطل به حق، حق را باطل می کند، نه اینکه باطل را حق کند؛ چنان که اختلاط آب آلوده با آب زلال و شفاف، هرگز آن را طاهر و زلال نمی کند، بلکه آب زلال را نیز آلوده می کند (جوادی آملی، دین شناسی، ۲۲۲ و ۲۲۳).

### ب) تکثرگرایی در بعد عملی و رفتاری

#### ۱. آزادی فکر و عقیده

از دیدگاه قرآن کریم پذیرش دین و عقیده قابل اجبار نیست و اختیار آن به تفکر و پذیرش خود شخص نهاده شده است. آیات متعددی در قرآن به این موضوع اشاره کرده‌اند. آیه ۲۵۶ سوره بقره می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ «هیچ اکراهی در (پذیرش) دین نیست». از دیگر آیاتی که آزادی انسان در انتخاب مرام و عقیده را به رسمیت شناخته است: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳)؛ «در واقع، ما او را به راه (راست) راهنمایی کردیم، در حالی که یا سپاس گزار است، یا بسیار ناسپاس است».

## ۲. صلح طلبی

قرآن کریم صلح طلبی را یک اصل اساسی و مهم معرفی نموده است: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (انفال/۶۱). اصل در اسلام بر صلح است و جنگ و نبرد با دشمنان، فقط برای دفاع از حق می‌باشد. علامه طباطبایی می‌گوید: «جهاد در اسلام فقط دفاعی است که به وسیله آن حق مشروع انسانی محفوظ می‌ماند» (طباطبایی، المیزان، ۶۱/۲). مرحوم آیت الله معرفت نیز قریب به همین دیدگاه را مطرح نموده است (معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۹۱/۵ - ۹۶).

## ۳. دعوت به اصول مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز

قرآن کریم برای نیل به این تفاهم، اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده، آنان را به نقاط مشترک اعتقادی توجه داده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران / ۶۵)؛ بگو: «ای اهل کتاب! بیایید، به سوی سخنی که میان ما و میان شما یکسان است که: جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعض [دیگر] را - به غیر خدا - به پروردگاری برنگزینیم» و اگر [از این دعوت] روی برتابند، پس بگوید: «گواه باشید که ما مسلمانیم». در واقع، قرآن با این طرز استدلال به همگان می‌آموزد، اگر نمی‌توانید در تمام اهداف با یکدیگر همکاری کنید، لااقل بکوشید در اهداف مهم مشترک همکاری داشته باشید و زندگی توأم با صلح و صفایی را برای رسیدن به اهداف مشترک در کنار یکدیگر سپری کنید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۹۴/۲).

## ۴. احترام به انبیاء گذشته و کتب آسمانی

قرآن کریم همه انبیاء و کتب آسمانی را هم جهت و هم سو می‌داند و اصولاً تمامی پیامبران را در یک مسیر و یک خط جدایی ناپذیر می‌داند: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَ... لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (بقره/۱۳۶)؛ «بگوید: «به خدا و آنچه بر ما فرود آمده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او) فرود آمده، و (نیز) آنچه به موسی و عیسی داده شده، و

آنچه به پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم؛ میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛ و ما تنها تسلیم او هستیم». بر همین اساس، تمامی انبیای بزرگوار الهی و کتب مقدس آسمانی مورد احترام و تجلیل قرآن هستند.

#### ۵. پذیرش حقوق اقلیت‌ها

قرآن کریم با صراحت، سیاست کلی اسلام را درباره مراعات حقوق ملل و سایر مذاهب بیگانه چنین بیان می‌کند: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه/۸)؛ «خدا شما را نسبت به کسانی که در مورد دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نراندند، منع نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و نسبت به آنان دادگری نمایید؛ [چرا] خدا دادگران را دوست می‌دارد».

بنابراین اسلام برای اقلیت‌های دینی حق حیات شرافتمندانه قایل است؛ البته مشروط بر این اینکه در امنیت و زندگی مسلمانان اخلال ایجاد نکنند. از این رو در آیه بعدی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (ممتحنه/۹)؛ «خدا شما را فقط از کسانی که در مورد دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و برای بیرون راندن شما همدیگر را پشتیبانی کردند، منع می‌کند که با آنان دوستی کنید؛ و هر کس آنان را دوست داشته باشد، پس تنها آنان ستمکارند».

با توجه به این دو آیه، سیاست کلی اسلام در مورد اقلیت‌های دینی چنین است: تا زمانی که اقلیت‌ها به حقوق مسلمانان تجاوز نکنند و برضد اسلام و مسلمانان توطئه ننمایند، در کشور اسلامی کاملاً آزادند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند (کریمی نیا، دیدگاه اسلام درباره همزیستی مسالمت‌آمیز، ۱۲۷-۱۲۸). امیر المؤمنین علیه السلام در فرمان معروف خود به مالک اشتر می‌فرماید: «و قلب خود را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت کن و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری! زیرا آنان دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تواند یا انسان‌هایی همچون تو» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



## ۶. سفارش به جدال احسن

قرآن همگان را به اتخاذ بهترین شیوه گفتگو با پیروان اهل کتاب دعوت می‌نماید و می‌فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (عنکبوت / ۴۶)؛ «و با اهل کتاب جز به آن (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است مناظره نکنید».

این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد تا با اهل کتاب با ملامت و نرمی و مدارا رفتار شود. در برابر خشونت و غضب آنها بردباری و آرامش و تأنی نشان داده شود. بدون شک، توصیه قرآن کریم به چنین شیوه‌ای در بحث و مجادله حکایت از احترام به شخصیت انسانی طرف مقابل و قایل شدن نوعی ارزش و کرامت برای اوست: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل / ۱۲۵)؛ «با حکمت و پند نیکو، به راه پروردگارت فراخوان، و با آنان به آن (شیوه‌ای) که نیکوتر است، مناظره کن!» (حجتی سید محمد باقر و بلال سلمان، همزیستی ادیان توحیدی از دیدگاه قرآن و حدیث، ۳۲ و ۳۳).

## ج) تکثرگرایی در باب نجات و رستگاری

اگر چه قرآن کریم تکثر گرایی در بعد معرفتی و اعتقادی را بر نمی‌تابد و دین اسلام را به عنوان دین حق و پذیرفته شده از جانب خدای متعال مطرح می‌نماید، اما نجات و رستگاری را فقط منحصر در پیروان قرآن و مسلمانان نمی‌داند. از نظر اسلام، مسئله رستگاری و نجات غیر از مسئله حقانیت می‌باشد. کسی که از روی عمد و آگاهی دین حق را انکار نماید، مستحق عقوبت و عذاب است، اما در حالت عکس آن چنین ملازمه‌ای وجود ندارد؛ یعنی چنین نیست که اهل نجات تنها کسانی باشند که به شریعت حق گرویده و به دستورات آن عمل می‌نمایند (حسین زاده، درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی، ۱۶۰). این دیدگاه برگرفته از برخی آیات قرآن کریم می‌باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱. ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره / ۲۸۶)؛ «خدا هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند». بر اساس این آیه، کسانی که آگاهی و وقوف بر حق در وسع و توان آنان نیست در پیشگاه خدای متعال معذورند. علامه طباطبایی رحمته الله علیه با استناد به این آیه فرموده است: «این آیه همان طور که تکلیف را در جایی که خارج از وسع باشد ساقط می‌کند، ضابطه‌ای کلی نیز در مورد تشخیص عذر و تشخیص آن از غیر عذر می‌دهد. این

ضابطه کلی این است که ترک تکلیف مستند به اختیار و اکتساب خود انسان نباشد و او در ترک آن هیچ دخالتی نداشته باشد... اگر جهل و غفلت و ترک تکلیف او به واسطه کوتاهی خود او نبوده، این ترک تکلیف مستند به اختیار او نبوده و گناهکار محسوب نمی شود و کار او مخالفت تعمدی و استکبار از حق و انکار آن به شمار نمی آید...» (طباطبایی، المیزان، ۵/ ۵۲-۵۳)؛ بنابراین، کسی که تلاش خود را به کار گرفته. اما به دین حق دست نیافته، معذب نخواهد بود.

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوُلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا غَنُورًا﴾ (نساء/ ۹۷-۹۹)؛ «در واقع کسانی که فرشتگان، [جان‌های] ایشان را بطور کامل گرفتند، در حالی که به خویشتن ستمکار بودند، (فرشتگان به آنان) گفتند: «در چه [حالی] بودید؟» (در پاسخ) گفتند: «ما در زمین، مستضعف بودیم. مگر مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان، که توان چاره‌جویی ندارند، و به هیچ راهی رهنمون نمی‌شوند. و آنانند که امید است خدا آنها را ببخشد، و خدا بسیار بخشاینده آمرزنده است.»

در این آیات کریمه به مستضعفین اشاره شده است؛ همان کسانی که امید عفو و بخشش آنان از سوی خدای متعال می‌رود. گرچه این آیات در ابتدا به کسانی اشاره دارد که به خاطر زندگی در محیط شرک و کفر نتوانسته‌اند بر اساس دین حق عمل نمایند، اما دایره استضعاف فقط به همین مورد خلاصه نمی‌شود و تمام کسانی که به دلیل قصور مکانی، اقتصادی و فکری دچار چنین سرنوشتی شده‌اند، مستضعف به شمار رفته و در پیشگاه خداوند معذورند (همان، ۵ / ۵۱-۵۲). بر این اساس، کسانی که با دین حق جنگ و عناد نداشته‌اند بلکه بر اثر جهل و غفلت از درک حقیقت محروم مانده‌اند، اهل نجات می‌باشند. در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز به افرادی اشاره شده که با اینکه بر دین حق نیستند، اما امید نجات آنان می‌رود. امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید: «مردم شش فرقه‌اند که بازگشت همه آنها به سه فرقه اصلی است: اهل ایمان، کفر و ضلال، و [دیگر] مستضعفان،

کسانی که واگذار به امر خدا شده‌اند یا آنان را عذاب می‌کند و یا توبه آنان را می‌پذیرد، و اعتراف کنندگان به گناهانشان کسانی که اعمال نیک و بد را در هم آمیخته‌اند و نیز اهل اعراف» (کلینی، اصول کافی، ۲/ ۳۸۲).

#### نتیجه

۱. کوشش نویسندگان در معناشناسی واژگان مرتبط، امری مفید و قابل تحسین است، اما بررسی این کلمات آن چنان که باید عالمانه و دقیق نبوده و می‌تواند در معناشناسی واژگان قرآنی، تعمق و تتبع بیشتری به کار می‌بردند.

۲. تلاش نویسندگان برای بررسی گروه‌های مختلف دینی و ارتباط آن با قرآن، اسلام و رفتار مسلمانان با آنها، بی‌طرفانه نیست و متأسفانه تمایل‌شان برای حمایت از مسیحیان و یهودیان کاملاً محسوس و مشهود است.

۳. مدخل «پلورالیزم دینی و قرآن» فاقد بحث منسجم نظری در زمینه تکثرگرایی از منظر قرآن می‌باشد و مبانی نظری قرآن در باب تکثرگرایی آن چنان که شایسته است، ارایه نشده است.

۴. مبنای نویسندگان، تکثرگرایی نسبی گرایانه بوده است؛ به همین دلیل، گرچه تا حدی توانسته‌اند نظر حقیقی قرآن در باره تکثرگرایی را درک کنند، اما در فهم عمیق و صحیح آن توفیق نداشته‌اند. قرآن کریم با شک و تردید و نسبیّت در معرفت، فهم و اندیشه موافق نیست و آن را با قاطعیت رد می‌نماید، چرا که پذیرش آن مردود دانستن مدعای خود قرآن است، ولی در مرحله عمل و رفتار همگان را به زندگی مسالمت‌آمیز فراخوانده و به حسن سلوک با پیروان سایر ادیان قائل می‌باشد. آزادی فکر و عقیده، صلح طلبی، دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام به انبیای گذشته و کتب آسمانی پیشین، نفی نژاد پرستی، پذیرش به حقوق اقلیت‌ها و احترام به آن و سفارش به جدال احسن از جلوه‌های درخشان به رسمیت شناختن تکثرگرایی در بعد رفتاری و عملی از سوی قرآن کریم می‌باشد. از سوی دیگر، قرآن تکثرگرایی را در باب نجات و رستگاری به رسمیت شناخته و فقط قابل به رستگاری مسلمانان نیست، بلکه جاهلان قاصر از سایر ادیان و مستضعفان فکری را نیز در زمره رستگاران می‌داند.

### فهرست منابع

۱. ابن الأثير، الكامل في التاريخ، بيروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.
۲. ابن فارس، ابوالحسين احمد، مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بی جا، ۱۴۲۳ق.
۳. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت، نشر دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. ثعالبي نيشابوري، ابي منصور بن اسماعيل، فقه اللغة، بيروت، اباة اليسوعيين، بی جا، ۱۸۸۵م.
۵. جوادی آملی عبد الله، تفسير تسنيم، قم، مرکز نشر إسرائ، ۱۳۷۸ش.
۶. جوادی آملی عبد الله، دين شناسی، قم، مرکز نشر إسرائ، ۱۳۷۸ش.
۷. جوهری، الصحاح في اللغة، بی تا، بی جا.
۸. حجتی سيد محمد باقر و بلال سلمان، «همزیستی ادیان توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهش دینی، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۵.
۹. حسین زاده محمد، درآمدی بر معرفت شناسی و مبانی معرفت دینی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۱۰. خفاجی، شهاب الدین أحمد، شفاء الغلیل فيما في كلام العرب من الدخيل، بی جا، مکتبه الوهيبه، ۱۲۸۲ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات في غريب القرآن، بيروت، نشر دار العلم، ۱۴۱۲ق.
۱۲. سيد رضی، نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
۱۳. طباطبایی، سيد محمد حسین، الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۵. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۹۶۷م.
۱۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسير نور الثقلين، قم، انتشارات اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۱۸. قدردان قراملکی، محمد حسن، «مقاله کافر مسلمان و مسلمان کافر»، کتاب نقد، شماره ۴ (چاپ دوم)، پاییز ۱۳۷۶ش.

۱۹. کریمی نیا، محمد مهدی، «دیدگاه اسلام درباره همزیستی مسالمت آمیز»، بصیرت، سال دوازدهم، شماره ۳۵.
۲۰. کریمی نیا، مرتضی، دایرة المعارف قرآن به انگلیسی، گلستان قرآن، شماره ۱۱۸، تیر ۱۳۸۱.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۲. کنعان، جرج، محمد و اليهودیه، بیروت، بیسان، ۱۹۹۹م.
۲۳. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۵. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۲ش.
۲۶. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه تمهید، ۱۳۸۷ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.
28. Aaron milavec: didache, the: faith, hope, new jersey, newman press, and 2003.
29. hick, j. Dialogues in the philosophy of religion. London: palgrave, 2001.
30. jeffery, a. The foreign vocabulary of the qur'an. Baroda: oriental institute, 1938.
31. [www.explore.georgetown.edu](http://www.explore.georgetown.edu) -سایت دانشگاه جرج تاون: .
32. [www.earlychristianity.cua.edu / current / index.Cfm](http://www.earlychristianity.cua.edu/current/index.Cfm) -سایت دانشگاه کاتولیک آمریکا: .